

مدل مفهومی گزاره‌های شناختی معماری مسجد^۱

محمدامین حسن‌زاده (نویسنده مسئول) **

پژوهشگر کارشناسی‌ارشد معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه قم، ایران

Email:hz.amin@yahoo.com

امین عبد مجیری*

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه قم، ایران

^۱ . این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نویسنده اول با عنوان «مدل گزاره‌های شناختی معماری مسجد» به راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه قم است.

مدل مفهومی گزاره‌های شناختی معماری مسجد

چکیده

معماری مسجد، می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند فرهنگ، تاریخ، مذهب، جغرافیا، زیست‌بوم، سیاست و اقتصاد باشد؛ لذا، مسجد نمی‌تواند به صورت یک ساختمان یکنواخت و انتزاعی در نظر گرفته شود، بلکه باید به صورت یک پدیده شناختی و تفسیری که حاصل تعامل بین معمار، کاربران و محیط است، مورد بررسی قرار گیرد. از این رو بررسی و شناخت گزاره‌های مسجد به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای معماری، فرهنگی و هویتی مسلمانان در زمینه بررسی و تبیین لایه‌های شناختی حاکم بر آنها ضرورت پیدا می‌کند. این پژوهش؛ از منظر هدف بنیادی و دارای رویکرد ترکیبی و بین رشته‌ای است. جامعه آماری این پژوهش، از منابع در دسترس پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر در بازه زمانی ۱۹۹۸-۲۰۲۴ در حوزه معماری مسجد بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و جمع‌آوری شدند. برای این منظور، ابتدا نظام معرفتی و مفاهیم متنوع را با تکیه بر منابع فلسفی و عرفانی تبیین، سپس با مطالعه و تحلیل گزاره‌های شناختی مسجد مقوله‌ها و عناصری را شناسایی که می‌توانند برای تبیین مضمون معماری مسجد مبتنی بر نظام معرفتی مفید باشند. در این مسیر اطلاعات مورد نظر با استفاده از تحلیل مضمون موضوعی آترید استرلینگ جمع‌آوری. پس از تأیید اعتبار کدگذاری‌ها، مدلی کیفی تدوین شد. در گام دوم در راستای اعتبار سنجی مدل کیفی و ارائه مدل نهایی پژوهش از روش حداقل مربعات جزئی و برای بررسی فرضیات به وجود آمده با بهره‌گیری از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری، پرسشنامه در اختیار ۳۹۵ نفر از متخصصان و معماران با تجربه بر مبنای نمونه‌گیری تصادفی ساده، قرار گرفت. از این تعداد، ۳۸۹ پرسشنامه مورد تحلیل واقع شد. نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که تمامی روابط و مسیرهای ترسیم شده در مدل مفهومی از لحاظ آماری معنادار هستند. لذا می‌توان به این نتیجه رسید که چگونگی تأثیر نظام معرفتی بر معماری مسجد و چگونگی تجلی این تأثیرات در عناصر مختلف حاصل تعامل چندجانبه در لایه‌های مختلف شناختی و درک صحیح آن نیازمند توجه به تمامی این لایه‌ها است. به عبارتی دیگر معماری مسجد فراتر از یک مکان صرفاً عبادی و اجتماعی بلکه به عنوان یک پدیده شناختی و تفسیری عمل می‌کند و با استفاده از روش‌های تحلیلی و تطبیقی می‌توان یک الگو یا چارچوبی را برای ارزیابی و طراحی مسجد بر مبنای لایه‌های شناختی ارائه داد.

واژگان کلیدی: ادراک معماری، مدل شناختی معماری، لایه‌های شناخت‌شناسی مسجد، معماری مسجد

۱. مقدمه

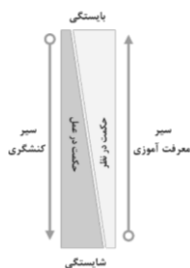
مضمون معماری مسجد، به مجموعه‌ای از مفاهیم، ارزش‌ها، اهداف و معانی اشاره دارد که در طراحی و ساخت مسجد به کار رفته‌اند. از زمان پیدایش، مساجد به مؤسسه‌ای تبدیل شده‌اند که مجموعه‌ای از خدمات مذهبی و فرهنگی را به جوامع مسلمان ارائه می‌دهند. مسجد کانون گفتمان زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آیینی است. مسجد مرکز رهبری دولت اسلامی است که تمام امور کشور از آن اداره می‌شود (الکرناوی، ۲۰۱۶، ۳۶۲). مسجد به عنوان یکی از مهم‌ترین و مشهورترین نمادهای معماری اسلامی، در طول تاریخ، تحولات و تغییرات زیادی را تجربه کرده است. در گفتمان مطالعات جهانی مسجد آن چه بیشتر جلب توجه می‌کند مسئله تحولات مسجد در تقابل با علوم جدید و یا به تعبیر دیگر، فهم جایگاه مسجد در بستر مدرنیته است (دولابی، ۱۳۹۶، ۷۵). در دوران معاصر خلاقیت و تحول در آموزش و فرایند تحلیل از طریق متناسب‌سازی بستر با توانایی ادراکی مخاطب همواره از مسائل مهم و مورد بحث و بررسی پژوهشگران و برنامه‌ریزان معماری است. این مسئله در معماری مسجد نیز همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های معماران و کاربران فضایی در تمامی گرایش‌ها مطرح بوده است. در دوران متعدد تاریخی، با پیشرفت علوم و فنون و تغییر نیازها و سلاقی جامعه، معماری مسجد نیز شاهد تجدیدنظرها و خلاقیت‌های متعددی بوده است که گاه از منظر معماران و کاربران فضایی به چالش کشیده و به فراموشی سپرده شده است. این تحولات نه تنها در زمینه کالبدی و فضایی مسجد، بلکه در زمینه مفهومی و معنایی آن نیز صورت گرفته است. تحولات معنایی مسجد به مجموعه تغییر و تحولاتی اشاره دارد که در طول تاریخ در مفهوم و مضمون معماری مسجد رخ داده است. این تغییرات در زمینه ارتباط با فرهنگ، اعتقاد، هویت، تاریخ و معرفت جامعه مسلمانان نیز صورت گرفته است. حال این موضوع مطرح می‌شود که معماری تمامی مساجد در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون به یک اندازه بر لایه‌های مختلف معرفت شناسی تطبیق داشته‌اند یا خیر؟ این مسئله در این زمینه اهمیت پیدا می‌کند، زیرا شناخت گزاره‌های شناختی معماری مسجد می‌تواند به تحلیل و ارزیابی مسجد، ارائه الگوها و راهکارهای طراحی مسجد، تقویت هویت و معنویت مساجد و حفظ و ارتقای میراث معماری اسلامی کمک کند. به نظر می‌رسد که گزاره‌های شناختی حاوی مقوله‌های شناختی مشترکی هستند که می‌تواند بر مبنای نظام معرفت شناسی دسته‌بندی و مورد تحلیل و بررسی واقع شوند. چنانچه مابین لایه‌های شناختی معماری مسجد در یک یا چندلایه تغییر ایجاد شود و با لایه‌های دیگر سازگار نباشد، ممکن است باعث اختلال و ناهماهنگی در شناخت و درک معماری شود. ولی در مقابل توجه به تمامی این عوامل و تغییرات به صورت سیستمی و هماهنگ می‌تواند به ارائه طرح‌های خلاقانه و مناسب برای مسجد کمک کند که با لایه‌های مهارت، علم، دانش، نگرش، بینش و هم با شرایط محیطی سازگار بوده و از این رو مورد توجه معماران و کاربران فضایی واقع شود؛ لذا وجود یک مدل یا الگویی که می‌تواند به عنوان یک راهنما یا ابزاری برای تفهیم و طراحی مسجد مبتنی بر نظام معرفتی کاربرد داشته باشد اهمیت پیدا می‌کند. در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که معماری مسجد، چگونه می‌تواند مفهوم و مضمون شناخت را مبتنی بر لایه‌های معرفت شناسی منعکس کند؟ تا کنون تحقیقات زیادی با مفاهیم مراتب ادراکی در معماری و عوامل تعیین‌کننده آن انجام شده است. پدیدار شناسان، معماری را از دیدگاه انسان و تجربه‌های وجودی او می‌نگرند. در این دیدگاه بر آرای پدیدارشناسی، بر رابطه احساسی انسان با فضای معماری پرداخته شده است؛ ولی بر مبنای دیدگاه معرفت‌شناسی اسلامی، علاوه بر رابطه انسان با فضای معماری بر مبانی معنایی و ادراکی نیز پرداخته می‌شود. باین حال عموماً شکافی در پژوهش‌ها با این رویکرد در معماری با تأکید ویژه بر معماری مسجد وجود دارد که در ابتدای امر مبانی نظری بدون انسجام بوده و نوعی پراکندگی و ابهام در زمینه معرفت شناسی و در بررسی‌های مربوط به لایه‌های شناختی اثر معماری وجود دارد. این پژوهش در این مسیر با بررسی تمامی منابع و گزاره‌های معماری مسجد در نمونه‌های موردی و شناسایی هر کدام از گزاره‌ها در پی دسترسی به مدلی جامع در زمینه گزاره‌های شناختی معماری مسجد

است که با بررسی مبانی نظری چنین دستاوردی تاکنون صورت نگرفته است. با استفاده از مدل سازی مبتنی بر عامل، مفاهیم، ارزش‌ها، اهداف و معانی مرتبط با مسجدها از داده‌های معماری استخراج و بر مبنای مرئوس ادراک و شناخت طبقه‌بندی می‌شود.

۲. مبانی نظری تحقیق

سیر قوس معرفت (قوس تشریح)

سیر معرفت‌شناختی انسان کامل در دو قوس نزول و صعود، از مفاهیمی کلیدی در فلسفه اسلامی به‌ویژه در آثار حکمت متعالیه صدر المتألهین شیرازی محسوب می‌شود. در معماری، قوس صعود آغازگر سیر در دایره هستی است، چراکه با مقوله معرفت عجین است و تا زمانی که این قوس طی نشود، زیبایی در قوس نزول مورد توجه معمار نخواهد بود (خسروپناه، ۱۴۰۱، ۱۱۸). قوس نزول و صعود اموری منطبق بر هم اند و چنین نیست که عالم هستی دو قسمت داشته باشد که در یکی فقط بتوان تنزل کرد و در دیگری صعود (مرادی، ۱۳۹۰، ۵۸). این مفاهیم به توصیف دو جنبه از فرایند کنشگری و معرفت انسان می‌پردازند که دارای سیری فرآیندی است. آموزه‌های بنیادین حکمت متعالیه، بنیان‌های لازم را برای طرح و تدوین حکمت عملی فراهم و مهیا ساخته‌اند (الهی، ۱۳۸۹، ۱۹)، که به‌عنوان مبادی تصویری حکمت عملی؛ به عنوان دانشی که درباره افعال مورد اختیار و قدرت انسان گفتگو می‌کند. چنانچه بیان می‌نماید کدام فعل و عمل شایسته تحقق و انجام دادن است (مدرسی، ۱۳۸۸، ۱۱-۱۹). حال موضوع مهمی مطرح می‌شود که نمود و موضع‌گیری‌های گوناگون در سیر معرفت‌شناختی می‌تواند بر نوع و مدل حکمت عملی نمود داشته باشند. برای مثال؛ این سینا به عنوان یکی از حکمای بزرگ اسلامی، در آثار خود، حکمت عملی را بخشی از حکمت نظری دانسته (اسدی، ۹۷، ۲۷). که همان ساحت پشتوانه معرفتی است و اساس این حکمت عملی بر حکمت در نظر است؛ لذا دارای رابطه‌ای طولی است به گونه‌ای که هر چه اکتسابات معرفتی بیشتر باشد ما به حد اعلای معرفت آموزشی نزدیک‌تر خواهیم شد. در تفسیری دیگر در آثار حکمت متعالیه حکمت عملی و نظری را در یک تعادل می‌داند چنانکه؛ حکمت عملی که از مقوله شدن و عمل است و کاملاً شهودی و حضوری است که قسیم حکمت نظری نیست و اساس این حکمت عملی بر حفظ اعتدال در عمل و صحت عمل است (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۱۶). لذا حفظ حد اعتدال در حکمت عملی مبتنی بر شایستگی و بایستگی یکی از بایدها و ارکان می‌باشد به این بیان که فعل انسان باید از دو آسیب افراط و تفریط مصون باشد و حد اعتدال را حفظ کند که از آن در دانش‌های معماری و هنر به تعادل تعبیر می‌شود. بر خلاف حکمت عملی بخشی از حکمت نظری، حد افراط ما را از حقیقت دورتر می‌کند. (شکل ۱)



شکل ۱: تعادل در حکمت عملی

این افراط و تفریط و عدم تعادل در بسیاری از رویکردها که می‌تواند ناشی از پراکندگی در فهم مفاهیم و سطوح مرتبط بارده‌های شناختی؛ چون مهارت، علم، دانش، نگرش‌ها و بینش معماران و کاربران در ذیل حکمت در عمل و حکمت در نظر در مورد معماری منجر شود که نوعی ابهام در زمینه فهم و در بررسی‌های مربوط به لایه‌های شناختی اثر معماری وجود دارد. چنان

چه توجه بر این موضوع می‌تواند بر ارائه الگوها و راهکارهای طراحی با رویکردهای گوناگون در طراحی معماری کمک کند. برای درک عمیق‌تر محتوا ابتدا متون مربوط رده‌های شناختی؛ چون مهارت، علم، دانش، نگرش‌ها و بینش در ذیل حکمت در عمل و حکمت در نظر، مفاهیم و عناصری که می‌توانند در تشریح معماری مساجد بر اساس دانش معرفتی مفید باشند، مورد تحلیل و بررسی واقع می‌گردد.

مهارت

صلاحیت‌ها و توانایی انجام وظایف عملی را می‌گویند. مهارت ملکه‌ای است که به سبب تکرار یک عمل و رسوخ آن در ذهن و روان آدمی حاصل می‌شود (رحیمی شعریاف، علم‌الهدی، ۱۳۹۲، ۹۸). از نظر ملاصدرا فضایل و صفات اعم از فضایل اخلاقی و عقلانی‌ای که توسط فاعل شناسا کسب می‌شود، در ابتدا (حال) نامیده می‌شود؛ ولی بر اثر تکرار به (عادت) تبدیل می‌شود و پس از اینکه کاملاً در نفس جای‌گیر شد و رسوخ کرد به گونه‌ای که فاعل شناسا بدون درنگ و تأمل آن را انجام می‌دهد، (ملکه) نامیده می‌شود. وقتی فضایل به صورت ملکه درمی‌آیند، می‌توان آن را مهارت یا فن دانست. زیرا افعال یا از نوع صنایع و فنون عملی یا از سنخ معرفت علمی هستند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۱، ۸۲۸)؛ ملاصدرا صنایع و پیشه‌ها و فنون را که از سنخ مهارت هستند جزء فهم می‌داند و مهارت یافتن در این صنایع را با مهارت یافتن در معارف، کنارهم می‌آورد. ملکه شدن فهم نوعی مهارت فهم را به همراه دارد زیرا فاعل شناسا می‌تواند بدون درنگ و تأمل باورهای صادق را از باورهای کاذب تشخیص دهد.

علم:

معنای اصلی و نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است، به همه دانستنی‌ها صرف‌نظر از نوع آن‌ها علم می‌گویند، و عالم را کسی گویند که جاهل نیست، مطابق این معنا، اخلاق، ریاضیات، فقه، دستور زبان، مذهب، زیست‌شناسی، و نجوم همه علم‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ۳۷۵). مفهوم علم، مترتب بر دو نگرش پیشینی و پسینی با دو تعبیر حضور و حصول تعریف شده است که هر یک مورد توجه گروهی از فلاسفه قرار گرفته است. این تقسیم‌بندی‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی و غنای مفهوم علم در فلسفه اسلامی است و اینکه چگونه علم می‌تواند از زوایای مختلف و باتوجه به ارتباطات موجود بین اشیا و مفاهیم مورد بررسی قرار گیرد. واژه علم در فرهنگ اسلامی از اطلاعات متعددی برخوردار است؛ یکی از معانی، که در فلسفه اسلامی کاربرد دارد، و تعریف علم به آنکشاف (نوعی آگاهی یافتن، دریافتن، پرده برداشتن از امری که پیش از این بر ما مجهول بوده است) شامل تمام موارد خواهد بود، یعنی موارد علم حضوری و حصولی، اعم از علم تصوری و تصدیقی (میری، ۱۳۹۲، ۵۰). باری علم چه از طریق استدلال حاصل شود و چه از طریق سلوک و ریاضت و اشراق و شهود، حقیقت آن باید معلوم شود و همچنین ارکان آن و شاید بتوان گفت: علم استدلالی منطبق است با علم اشراقی و علم شهودی است (جامی، ۱۳۵۸، ۵۲). لذا، علم می‌تواند به صورت توصیف استدلال شده یا نفی چیزی باشد که از موضوع نزدیک و یا دور است.

دانش:

دانش مجموعه گزاره‌های معرفتی است که از وقایع جهان هستی سخن گفته، واقع‌نما بوده و دستاورد خرد انسانی و حاصل تفکر، تعقل و تجربه اوست و هدف دانش نه تنها سلطه انسان بر طبیعت بلکه ابزار پیشرفت و تحول انسان نیز است (قهرمان، ۱۳۹۹، ۱۶۵). دانش نیز اگرچه توسط انسان با قدرت تفکر و تعقل انسانی اش مطرح یا ابداع گشته است و مورد ادراک و فهم واقع می‌شود، اما منظور از طرح دانش و ابداع آن توسط انسان، کشف بودن انسان و عقل وی در کشف قانون و روابط بین پدیده‌ها است، نه اینکه انسان با تکیه بر پیش فرض‌ها و فهم دانش‌ها، دانش جدیدی خلق و یا ابداع کند (خسروپناه، ۱۳۹۳).

۴۳۱). لذا درک صحیح از دانش متوقف بر درک در ست از اطلاعات دارد. به بیان بهتر عقل بعد از حضور داده‌ها شروع به بررسی می‌کند و به نحوی از اشتراکات و تمایزات مفاهیمی کلی ابداع می‌کند که به تعبیر بهتر مفاهیم ادراکی حسی به مفاهیم کلی عقلی تبدیل می‌شود که دیگر مفاهیم جزئی نیستند؛ بلکه مفاهیمی کلی هستند که بر مفاهیم جزئی یا همان اطلاعات صدق می‌کنند. در واقع اطلاعات به مرحله دانش رسیده است که شامل تجربیات و پاسخ‌هایی است که به صورت درست و صحیح، کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و به نحوی حوزه‌های دانشی در این مرحله زایش می‌شوند.

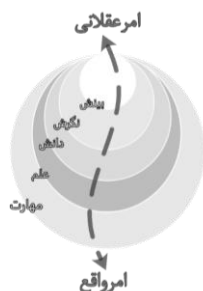
نگرش:

نگرش به عنوان زاویه نگاه یا حیثیت نگاه مجموعه‌ای از نگرش‌ها عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه مثبت یا منفی نگاه کند نگرش از جنس دیدگاه است، دیدگاهی که نسبت به پدیداری در ذهن شکل می‌گیرد (عبادی، ۱۳۹۵، ۳۱). وقتی به تعریف مذکور بادقت نظر می‌کنیم حقیقت‌نگرش را زاویه دید به یک حقیقت حسی یا حیثیت علمی به یک حقیقت مجرد است. به طور مثال در حقایق خارجی و حسی ما در هر زاویه یا جهتی که قرار بگیریم نگاه ما به آن حقیقت حسی متفاوت می‌شود و در حقایق مجرد و علمی ما هر مقوله پژوهشی را می‌توانیم از حیث اقتصادی یا فرهنگی یا فلسفی و یا غیره مورد بررسی قرار دهیم؛ بنابراین نتایج بررسی‌های ما تابع نگرش ما هستند.

بینش:

مقصود از بینش حالات ذهنی نیست که زودگذر و موقتی‌اند، بلکه رسوخ ملکات ذهنی فلسفی است که شخص متسلف در اثر ممارست، تحقیق به دست می‌آورد (بهاری، ۱۳۹۳، ۱۹۸). بینش آگاهی است، اما هر آگاهی بینش نیست. بینش نوعی آگاهی عمیق و گسترده است؛ از این رو آدمی را با واقعیت موردنظر کاملاً پیوند می‌زند (فرزندی و همکاران، ۱۳۹۷، ۷۴). بینش فهمی از خود و روابط با دیگران است که تجربه‌های پیشین را روشن یا فرد را در حل مسئله‌ای یاری می‌کند. وقتی به تعریف نسبتاً درست مذکور نظر می‌کنیم در حقیقت بینش نتیجه نگرش ما به یک حقیقت است به عبارت بهتر اگر نگرش را نوع دریافت از محیط بدانیم، بینش نتیجه نگرش ماست به این تفسیر که بینش ما تابع نگرش ما به یک حقیقت است. همان‌گونه که بیان گردید حکمت عملی دارای دو ساحت نظر و ساحت عمل است که هر یک سازوکار خود را دارند به تعبیر بهتر به دلیل اینکه حکمت عملی بر تعادل در دو ساحت قرار دارد در این صورت ما با مباحثی مواجه هستیم که قطعاً از طرفی ریشه در نظر دارند و از طرفی دیگر ریشه در دانش عملی که در اصطلاح به آن تجربه کاری گفته می‌شود. از یک سو، حکمت عملی به ما می‌آموزد که چگونه مهارت‌های خود را در عمل به کار ببریم و از آنها در جهت بهبود زندگی و جامعه استفاده کنیم. از سوی دیگر، احکام عملی و اعمال انسانی باید بر اساس مبانی ساحت نظری محکم و استوار باشند. به عبارت دیگر، حکمت عملی با جنبه‌های مختلف شناختی خود، نقشی اساسی در پیوند میان نظریه و عمل دارد. این جنبه‌ها که شامل مهارت، علم، دانش، نگرش‌ها و بینش‌های معماران و کاربران می‌شود، در چارچوب حکمت نظری و عملی عمل می‌کنند. این

ترکیب به عنوان پلی ارتباطی بین تفکر عقلانی و واقعیت عینی عمل می کند و به ما این امکان را می دهد که مبانی نظری را به مهارت های کاربردی و عملی تبدیل کنیم. (شکل ۲)



شکل ۲: سیر قوس معرفت

جمع بندی ادبیات تحقیق

در این مطالعه، اطلاعات مورد نظر در زمینه گزاره های معماری م ساجد با استفاده از تحلیل مضمون موضوعی آترید استرلینگ (۲۰۰۱) جمع آوری و کدگذاری در سه مرحله متشکل از مضامین اساسی، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر انجام گردید. در این مسیر ابتدا با شناسایی مضامین اساسی آغاز، سپس به سازماندهی این مضامین با استفاده از مضامین سازمان دهنده پرداخته، و در نهایت، مضامین فراگیر به کار گرفته شدند تا یک دیدگاه کلی و جامع را ارائه دهند. این فرایند سه مرحله ای به تحلیل و درک عمیق تر موضوع کمک می کند (جدول ۱).

جدول ۱: فرایند سه مرحله مضامین اساسی، سازمان دهنده و مضامین پایه

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین اساسی
معنا	هویت	باور های مذهبی، ساختار معنایی، ماهیت هم گن، باز نمایی مشترک اسلام، ماهیت معنوی، جلوه، نشانه، بازگو کننده، تداعی بهشت، سمبلیک، نهاد، کیهان، صور عالم مثال، خیمه حضرت موسی، معنایی نهادین، هویت موروثی، ارزش بیانی، بیانگر اعتقادات، تجلی نهاد، معنای اسلامی، رمز، مفاهیم ثابت، باز نمایی هویت، ماهیت تشیع، هویتی یکپارچه، نمایانگر هویت، هویت مستقل، هویت مذهبی، مفهوم اصالت، میراث اسلامی
معنا	یقین کردنی	انعکاس یگانگی الهی، اعتلای روح، انتقال معنا، محرک حرکت آفاقی، سیر متعالی، محمل و صول، مکاشفات روحی، قابلیت معنایی، معنویت، معرفت معنا، جوهر دینی، قوا عد فراتاریخی، مبلغ دین، مذهبی، کشف مکان، تجلی ذات الهی، وحدت وجود، نهاد عرفانی، فطرت، توحید، بینش فکری، کثرت به وحدت، عروج، سیر انفس، تجلی غیب، محمل نور، سلوک، سیر عرفانی، وحدت معبود و عابد، اصول، عشق، قدسی، سرچشمه قرآن، عرصه الهی، نمود اخلاقیات اسلام، وحدت
توجیه	اجتماعی	درک رابطه اسلام و فرهنگ مردم، تصویر جامعه، بیانگر آیین، برآمده از مراودات فرهنگی، شرایط اجتماعی، انعکاس، انعکاسی از معنای، چراغی واقعی، کل یکپارچه، دیدگاه دینی، حامل فرهنگ، پایداری فرهنگ، محمل عقاید، تأثیر فرهنگ، محصول فرهنگ، هویت فرهنگ، تأیید عمومی، بازتاب شکاف اقلیت، تصویر جامعه از خود، هویت فرهنگ، پایداری ذاتی، کنون اجتماعی، برداشت فرهیخته گان از ایمان جامعه، وحدت زندگی و مفهوم جامعه، تحولات فرهنگ، تحول جامعه، وضعیت جامعه، معانی جمعی
توجیه	پسندیدنی	انعکاس فرهنگ، ارادت مذهبی، تمایلات، بازتاب ذهنی، حس معنوی، تصویر گنبد و مناره، ابعاد ذهنی، دلبستگی، بداعت، تعلق، اندیشه معنوی، تجسم طبیعت، تمثیل، فضایی روحانی، کیفیت،

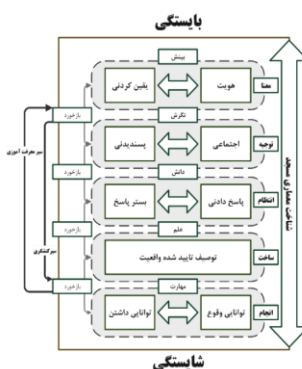
سیر از سان‌ها، تأثیر روانی، تجلی افکار، زیبایی، فعالیت ذهنی، درک خالق، ادراک، ارکان معرفتی، سلسله مراتب ادراک، ادراک فضایی، تصویر ذهنی، دلباز، نگاه فقهی، خوداندگاره، نمودهایلات، حس مکان		
سیاسی، دانش، سودمندی، عنصر مرکزی، دستورالعمل، بنگاه سیاسی، انطباق، انعطاف‌پذیری	کار سیاسی، قدرت خلاقانه، سازگاری، دعوتگری، مبنای شادی در جهان و سعادت پس از مرگ، تأثیر، تلاش برای یافتن عوامل تأثیرگذار، نوآوری، نوآرانه، تعادل و تقارن، متأثر، پاسخگو، چرخش	پاسخ‌دانی
انتظام	انتظام	انتظام
بستر آرمایش، بسترتبایط، زمینه‌ای مناسب، تجلی هنر، تجلی قدرت، گفته‌ها، بیانگر سکولار، ثانویه از کیفیت متافیزیکی امر مقدس، ارتباط کاربران و محیط، روندگردیسی، مکان گذران زمان، محل تجمع، منطقه اجرا، مرکز جهت‌گیری، محل مذاکره، طراحی نور	بستر پاسخ	انتظام
مبنای اصیل بر مبنای استدلال، تکرار، ریخت‌شناسی، مجموعه منحصربه‌فرد، الگو، زبان مشترک، نبایدها، نظم سلسله‌مراتبی، شفافیت بصری - ادراکی، رویکرد، محور افقی و عمودی، تنوع فضایی، چیدمان فضایی، توسعه، پیوستگی، پرهیز از بی‌پهودگی، تناسبات، مردم‌واری، ترکیب فضایی، درون‌گر، حرکت، مرکزیت، سادگی، حرکت و سکون، روابط هندسی، نور، نورگیری، پویایی فضا، ریاضیات	توصیف تأیید شده واقعیت	ساخت
عملکرد آیینی، تداوم سنت، هندسه پلان، ترکیب، سبک عربی، کارکردنمایش، شیوه‌های رایج، آداب مذهبی، الگوهای بومی، معماری مقدس، الگوهای کالبدی، الگوی مناره، الگوی گنبدخانه، ظرافت، بوم‌آورد، ساخت، گردشگر، سبک، آیین فوت، الگو، تداوم تجربه‌یات، سنت، الگوهای سنتی، هنر دینی، نمود معماری اسلامی، میراث موازی، نمود آیین‌های مختلف، بازتاب معماری سنتی	توانایی داشتن	انجام
خوشنویسی، پیچیدگی بصری، حرکت چرخشی فراخ‌ناله، تزیینات هندسی، نقوش هندسی، جلوخان، ساختار معماری، محراب، تزیین، نقش‌داپره، کتیبه، آرایه، نقوش گیاهی، ورود، حیاط، مقصوره، ستون، فضایی برای عبادت، زبان‌های بومی، مهارت تجربی، هنر اسلامی، خط، خوشنویسی اسلامی، آجر، وضوخانه	توانایی وقوع	انجام

بر مبنای چهارچوب مذکور برای نظام‌بخشی به مضامین اساسی، از مضامین سازمان‌دهنده بهره گرفته شد. مضامین هویت و یقین‌کردنی، نشان از تجلی باورها و آگاهی عمیق و گسترده است. مضامین اجتماعی و پسندیدنی، تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی از جنس دیدگاه، بر سیر شناخت معماری مسجد را آشکار می‌سازند. مضامین پاسخ‌دانی و بستر پاسخ، ظرفیت‌های خلاقانه و حاصل تفکر، تعقل و تجربه‌های نوآورانه را به نمایش می‌گذارند. توصیف تأیید شده واقعیت، بازتاب‌دهنده اصول منطقی و استدلالی است. همچنین مضامین توانایی داشتن و توانایی وقوع نیز بیانگر دانش تجربی و مهارت‌های کاربردی هستند که در طول نسل‌ها انتقال یافته‌اند. در سطح کلان، مضامین پایه چون معنا، توجیه، انتظام، ساخت و انجام، نگرشی جامع ارائه می‌دهند که درک و تفسیر معماری مسجد را باتوجه به الزامات و شایستگی‌های آن ممکن می‌سازد. این جنبه‌ها که شامل مهارت، علم، دانش، نگرش‌ها و بینش‌های معماران و کاربران می‌شود، در چهارچوب حکمت نظری و عملی عمل می‌کنند. باتوجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود که در تحقیقات داخلی، مضمون معنا با ۳۳.۴۴ درصد بیشترین تمرکز را دارا است. در مقابل، منابع خارجی با ۳۷.۵۷ درصد، بیشتر به مقوله انجام پرداخته شده است، چنان‌چه ممکن است به دلیل تفاوت در دیدگاه‌ها یا اولویت‌های پژوهشی باشد. در کلیت منابع نیز، مقوله انجام در مرکز توجه قرار گرفته و مقوله انتظام کمتر تحت گزاره معماری مسجد گزارش شده است. این الگو می‌تواند بیانگر تمایل عمومی به مقوله انجام در مقایسه با سایر مقولات در زمینه گزاره‌های معماری مساجد باشد.

جدول ۲: گزارش مضامین فراگیر در منابع داخلی^۱ و خارجی^۲

مقوله‌های اصلی	فراوانی در منابع داخلی	درصد در منابع داخلی	فراوانی در منابع خارجی	درصد در منابع خارجی	فراوانی کلی	درصد کلی
معنا	۱۰۷	۳۳.۴۴	۳۲	۱۶.۹۳	۱۳۹	۲۷.۰۴
توجیه	۴۹	۱۵.۳۱	۳۲	۱۶.۹۳	۸۱	۱۵.۷۶
انتظام	۲۵	۷.۸۱	۳۶	۱۹.۰۵	۶۱	۱۱.۸۷
ساخت	۴۳	۱۳.۴۴	۲۳	۱۲.۱۷	۶۶	۱۲.۸۴
انجام	۹۶	۳۰	۷۱	۳۷.۵۷	۱۶۷	۳۲.۴۹
جمع	۳۲۰	۱۰۰	۱۸۹	۱۰۰	۵۱۴	۱۰۰

در شکل ۳ مقوله‌ها و مضامین کلیدی شامل انجام، ساخت، انتظام، توجیه و معنا ارائه شده که خود از مضامین سازمان دهنده توانایی داشتن، توانایی وقوع، توصیف تایید شده واقعیت، پاسخ دانی، بستر پاسخ، پایداری، هویت و یقین کردنی تشکیل شده اند که می‌توانند در فهم و تفسیر معماری مسجد در چارچوب شایستگی وبایستگی ها نقش داشته باشند. مدل کیفی گزاره‌های شناختی معماری مسجد که برآمده از مطالعات منابع فلسفی، عرفانی و تحلیل مضمون است. شاخص‌هایی را ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده چگونگی تأثیرگذاری نظام معرفتی بر معماری مسجد و نحوه تجلی این تأثیرات در عناصر مختلف آن است. در گام بعدی، برای سنجش اعتبار این مدل کیفی و دستیابی به مدل نهایی پژوهش، از روش آماری حداقل مربعات جزئی استفاده خواهد شد.



شکل ۳: بررسی روابط مدل کیفی گزاره های شناختی معماری

۳. پیشینه نظری تحقیق

مرور پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات به بررسی طراحی مساجد، اصول هندسی آن‌ها، تأثیرات اجتماعی و چگونگی اثرگذاری بر تجربه‌های شناختی نمازگزاران پرداخته‌اند. بااین‌حال، عموماً شکافی در پژوهش‌های معماری با تمرکز خاص بر مساجد وجود دارد. در ابتدای امر این خلأ شامل عدم انسجام در مبانی نظری، پراکندگی مفاهیم و ابهام در حوزه معرفت‌شناسی است. همچنین، مطالعات مربوط به سطوح شناختی از دیدگاه‌های مختلف نیز با نوعی عدم یکپارچگی در بیان

روابط میان این سطوح مواجه هستند. این پژوهش در این مسیر با بررسی تمامی منابع و گزاره‌های معماری مسجد در نمونه‌های موردی و شناسایی هرکدام از گزاره‌ها در پی دسترسی به مدلی جامع در زمینه گزاره‌های شناختی معماری مسجد است که با بررسی مبانی نظری چنین دستاوردی تاکنون صورت نگرفته است. در جدول شماره ۳ مروری بر پیشینه تحقیق در این حوزه مطالعاتی ارائه شده است.

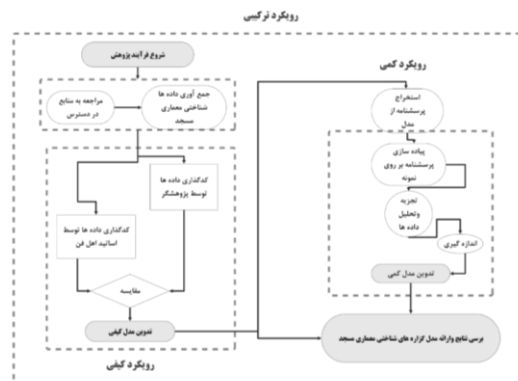
جدول ۳: پیشینه تحقیق

عنوان	نگارندگان	یافته‌ها
۱ بررسی نقش حرکت در ارتقای ادراکی مساجد، مبتنی بر آرای معرفتی ملاصدرا (موردپژوهی: مسجد حکیم)	باغمیرانی و همکاران (۱۴۰۲)	بر اساس نظریه حرکت جوهری، حرکت ناظر در فضای مساجدی مانند مسجد حکیم اصفهان، از ادراک امور مادی و صوری آغاز شده و با تکامل جوهر نفس، به ادراکات باطنی و عمیق‌تر ارتقا می‌یابد.
۲ ارتباط بین ویژگی‌ها، فعالیت‌های مسجد و ادراکات ارزش‌های معنوی	هاردی وکوزوما (۱۴۰۱)	بیشترین و معنی‌دارترین همبستگی مابین ویژگی‌های فیزیکی مسجد و فعالیت‌های عبادی مناسکی بر ادراک ارزش‌های معنوی در حین عبادت نشان داده شده است.
۳ موقعیت نقاط، خطوط و صفحات در ساخت یک مسجد برای تجسم هندسی	خیرالنسا و همکاران (۱۴۰۱)	معماری مسجد اغلب شامل عناصر هندسی مانند نقاط، خطوط و صفحات است. از این عناصر به‌منظور ایجاد حس هماهنگی و تعادل استفاده می‌شود که برای تجربه شناختی و معنوی کاربران ضروری است.
۴ ترویج معنویت در اندیشه معماری مسجد: رویکرد حس مکان	فوجانی و تاجی (۱۳۹۹)	حکمت اسلامی به طور مستقیم در تعیین رابطه بین فضاهای مختلف مسجد و ساختار مسجد تأثیر می‌گذارد و نقش بسزایی دارد.
۵ کرانمندی و بیکرانی ساختار فضایی معماری اسلامی ایران در مساجد دوران صفویه، نمونه موردی: مسجد شیخ لطف‌الله و امام اصفهان	دری و همکاران (۱۳۹۷)	فضا در معماری ایرانی اسلامی بدون حد و بیکران دریافت می‌شود. با یکپارچگی بدون انقطاع از درونی‌ترین تا بیرونی‌ترین بخش‌ها که بازتاب ادراک عقلی معماران مسلمان ایرانی از یگانگی و بی‌کرانی ذات حق در عالم بالاست.
۶ مراتب ادراک فضای سیال در مسجد جامع تبریز، با نگاهی به مفهوم حرکت در آرای ملاصدرا	شجاری و همکاران (۱۳۹۷)	ارتباط معناداری بین مراحل تکاملی جسم و روح در کسب دانش (بر اساس نظریه حرکت جوهری) با مراحل درک تجربی فضا در معماری اسلامی وجود دارد.

۴. روش پژوهش

این پژوهش؛ از منظر هدف بنیادی است و دارای ماهیت ترکیبی و بین‌رشته‌ای است. ماهیت ترکیبی یک رویکرد پژوهشی است که از هر دو روش کیفی و کمی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند (شکل ۴). این رویکرد به پژوهشگران امکان می‌دهد که از قوت‌ها و جبران ضعف‌های هر دو روش بهره ببرند و دانش عمیق‌تر و کامل‌تری از موضوع پژوهش ایجاد کنند. برای این منظور، ابتدا نظام معرفتی و مفاهیم متنوع را باتکیه بر منابع فلسفی و عرفانی، شرح و تبیین، سپس بامطالعه و تحلیل گزاره‌های شناختی مسجد، مقوله‌ها و عناصری را شناسایی می‌کنیم که می‌توانند برای تبیین مضمون معماری مسجد مبتنی بر نظام معرفتی مفید باشند. در این مسیر از یک‌گونه شناسی با وزن کیفی بهره برده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش، مساجد ایران و جهان اسلام است. نمونه‌های مورد بررسی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از منابع در دسترس

پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر در بازه زمانی ۱۹۹۸-۲۰۲۴ در زمینه اشتراک گزاره معماری مسجد به‌عنوان نمونه موردی انتخاب گردید. لذا با مراجعه به منابع در دسترس، داده‌های کیفی جمع‌آوری، سپس داده‌ها با استفاده از روش‌های تحلیل مضمون موضوعی، کدگذاری شدند. این کدگذاری به‌صورت توصیفی، تفسیری است. این مرحله از پژوهش با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودا (نسخه ۲۴.۲) انجام گردید. در این مسیر اطلاعات موردنظر با استفاده از تحلیل مضمون موضوعی آترید استرلینگ (۲۰۰۱) جمع‌آوری و کدگذاری در سه مرحله متشکل از مضامین اساسی، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر انجام گردید. در ادامه پایایی کدگذاری اندازه‌گیری و درنهایت گزارش داده‌ها تهیه و بر اساس کدگذاری، یک مدل کیفی از گزاره‌های شناختی معماری مسجد تدوین شد. در گام دوم در راستای برازش مدل کیفی گزاره‌های شناختی معماری مسجد با بهره‌گیری از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری وبا کمک نرم‌افزار اسمارت پی ال اس (نسخه ۳)، پرسش‌نامه در اختیار ۳۹۵ نفر از متخصصان و معماران باتجربه بر مبنای نمونه‌گیری تصادفی ساده قرار گرفت. از این تعداد، ۳۸۹ پرسش‌نامه مورد تحلیل واقع شد. در مسیر این پژوهش، روند تحلیل و اعتبارسنجی به این صورت پیش رفت که نخست با آزمون کلموگروف-اسمیرنف، نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت و آزمون فرضیه‌های پرسشنامه با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن در سطح خطای کمتر از ۵ درصد انجام شد. در ادامه، شاخص کیزر-میر^۳ با مقدار بالاتر از ۰.۶، کفایت نمونه‌گیری برای تحلیل عاملی را تأیید کرد. با رد فرض صفر در آزمون بارتلت، همبستگی میان متغیرها مورد تأیید قرار گرفت. معناداری پرسشنامه با بار عاملی حداقل ۰.۴، سنجیده شد. همچنین پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی با حداقل ۰.۷ مورد بررسی و روایی آن به تأیید اساتید رسید. روایی همگرا^۴ با حداقل مقدار ۰.۵ و روایی واگرا با موفقیت در آزمون‌های فورنل-لارکر بررسی شد. پس از تأیید تمامی این آزمون‌ها، مدل پژوهش از منظر معیارهای مختلف شامل ضرایب مسیر و معناداری^۵ آن‌ها، شاخص ضریب تعیین^۶، شاخص ارتباط پیش‌بینی^۷، شاخص شدت تأثیر^۸، شاخص هم‌خطی^۹، شاخص بنتلر-بونت^{۱۰} و شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده^{۱۱} مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. در پایان، با بررسی نتایج و یافته‌های پژوهش، به پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق پاسخ و مدل کلی پژوهش ارائه گردید.



شکل ۴: فرایند پژوهش

جدول ۴: رویکرد، روش، ابزار، شیوه و جامعه آماری پژوهش

رویکرد	روش	استراتژی	شیوه	ابزار جمع آوری داده	جامعه آماری	روش نمونه گیری	هدف
تفسیر گرای	محتوا	مطالعه اسنادی	کدگذاری باز	فیش	اسناد، متون و منابع	هدفمند	تحلیل مبانی
		تحلیل مضمون موضوعی آترید استرلینگ	محوری و انتخابی	نرم افزار مکس کیودا	داخلی و خارجی بازه زمانی ۱۹۹۸-۲۰۲۴	اشتراک یابی (گزاره معماری مسجد)	
اثبات گرای	محتوا	پیمایش مقطعی	پرسشگری	پرسش نامه	متخصصین معماری	نمونه گیری تصادفی	سنجش
				تحلیل معادلات ساختاری		ساده	مؤلفه ها نرم افزار اسمارت پی ال اس

۵. یافته ها

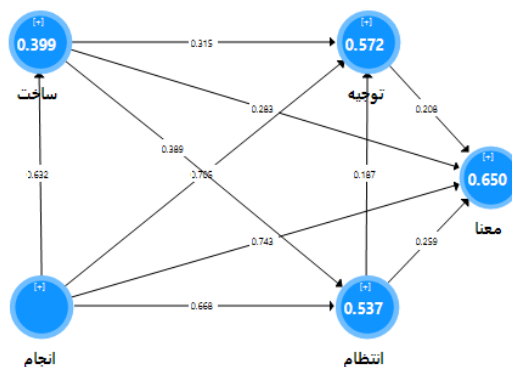
در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از سه روش مختلف آمار توصیفی، آمار استنباطی و سنجش کیفی انجام شد. برای ارزیابی مدل، معیارهای گوناگونی از جمله ضرایب مسیر و سطح معناداری آن ها برای گروهی از متخصصان معماری که شامل معماران حرفه ای، اساتید دانشگاه، پژوهشگران و کارشناسان فعال در حوزه طراحی و تحلیل معماری بودند تأیید گردید. سپس با بررسی مداوم شاخص ها و مؤلفه های شناختی معماری مسجد، تحلیل کیفی نهایی انجام گرفت. در پایان، مدل نهایی پژوهش ارائه گردید. جدول ۵ شاخص های توصیفی با کمک نرم افزار اس پی اس اس وبا استفاده از میانگین نمرات گویه ها ارائه شده است.

جدول ۵: شاخص های توصیفی

متغیرها	تعداد نمونه	بازه نمرات سؤالات		میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولیدگی	کشدگی
		کمترین	بیشترین					
معنا	۳۸۹	۱	۵	۳.۱۷	۱.۴۸۷	۲.۲۱۲	-۰.۱۷۵	-۱.۴۰۳
توجیه	۳۸۹	۱	۵	۳	۱.۴۸۲	۲.۱۹۸	-۰.۲۵۵	-۱.۳۶۲
انتظام	۳۸۹	۱	۵	۳.۲۱	۱.۴۶۷	۲.۱۵۴	-۰.۲۱۱	-۱.۳۷۵
ساخت	۳۸۹	۱	۵	۳.۲۳	۱.۴۶۶	۲.۱۴۹	-۰.۲۴۷	-۱.۳۵۰
انجام	۳۸۹	۱	۵	۳.۲۱	۱.۵۰۷	۲.۲۷۲	-۰.۲۳۸	-۱.۴۱۴

ضرایب مسیر از منظر آماری تأیید شدند. همچنین ضرایب رگرسیونی استاندارد تأثیر مؤلفه ها مثبت و بیشترین میزان شدت ارتباط مربوط به تأثیر مؤلفه انجام بر معنا و کمترین میزان شدت تأثیر مربوط به مؤلفه انتظام بر توجیه است. حال به بررسی ضریب تعیین که نشان دهنده نسبت تغییرات تعیین شده به کل تغییرات موجود در داده ها است پرداخته می شود. همان گونه

که در شکل ۵ مشاهده می‌شود در مدل ساختاری مورد نظر ۰/۶۵ درصد از تغییرات مؤلفه معنا به‌وسیله متغیرهای توجیه، انتظام، ساخت و انجام بیان می‌شود و ۰/۵۷۲ درصد از تغییرات مؤلفه توجیه به‌وسیله متغیرهای انتظام، ساخت و انجام و ۰/۵۳۷ درصد از تغییرات مؤلفه انتظام به‌وسیله متغیرهای ساخت و انجام و ۰/۳۹۹ درصد از تغییرات مؤلفه ساخت به‌وسیله متغیر انجام بیان می‌شود.



شکل ۵: ضرایب رگرسیونی استاندارد مدل پژوهش

مقدار بار عاملی یک موضوع اساسی در تعیین اعتبار روایی همگرا است (هیر و همکاران، ۲۰۱۹). بارهای عاملی به عنوان ضرایب رگرسیون در تحلیل عاملی در نظر گرفته می‌شوند. همانطور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، بارهای عاملی متغیرها همگی بالاتر از ۰.۴ هستند و موید قابل قبول بودن پایایی مدل اندازه‌گیری مورد نظر است. همچنین داده‌های جمع‌آوری شده برای اندازه‌گیری متغیرهای پنهان از کفایت و برازش لازم برخوردارند و با توجه به اینکه اعداد آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی (سازگاری درونی) و میانگین واریانس استخراجی همگی در بازه نرمال قرار گرفته‌اند. در نتیجه، نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش، قابل اتکا و مورد اعتماد می‌باشد.

جدول ۶: نتایج معیارهای بار عاملی، آلفای کرونباخ، پایایی و روایی همگرا

مؤلفه‌ها	کد	بارعاملی	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha > 0.7) (نانلی، ۱۹۷۸، ۱۹۹۴)	ضریب پایایی ترکیبی (Cr > 0.7) (نانلی، ۱۹۷۸، ۱۹۹۴)	میانگین واریانس استخراجی (AVE > 0.5) (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱)
معنا	M1	۰.۷۸۵	۰.۸۶۳	۰.۸۹۸	۰.۵۹۴
	M2	۰.۷۵۷			
	M3	۰.۷۶۱			
	M4	۰.۷۲۲			
	M5	۰.۷۲۴			
	M6	-			
	M7	۰.۷۶۹			

			۰.۷۲۴	M8
			۰.۷۴۸	T1
			-	T2
			۰.۷۱۵	T3
			۰.۷۵۷	T4
			۰.۷۳۶	T5
			۰.۷۳۲	T6
			۰.۷۳۵	T7
			۰.۷۴۹	T8
			۰.۷۸۸	A1
			۰.۷۷۷	A2
			۰.۷۵۵	A3
			۰.۷۸۰	A4
			۰.۷۹۱	A5
			۰.۷۹۹	S1
			-	S2
			۰.۸۲۵	S3
			۰.۷۸۷	S4
			۰.۷۹۸	S5
			۰.۷۸۲	G1
			۰.۷۱۰	G2
			۰.۶۹۴	G3
			-	G4
			-	G5
			۰.۷۲۸	G6
			۰.۷۵۴	G7
			۰.۷۴۳	G8
			۰.۷۲۳	G9
			۰.۶۷۵	G10
۰.۶۰۶	۰.۸۸۵	۰.۸۳۸		
۰.۵۹۲	۰.۸۷۹	۰.۸۲۷		
۰.۶۴۳	۰.۹۰۰	۰.۸۶۱		
۰.۵۸۲	۰.۹۰۷	۰.۸۸۰		

۶. تحلیل یافته ها

تحلیل کیفی معیارهای گزاره‌های شناختی آشکار می‌سازد که برای فهم کامل و همه‌جانبه معماری مسجد، باید تمام سطوح شناختی و ارتباطات متقابل آنها مورد توجه قرار گیرد. همچنین هماهنگی و تناسب میان این سطوح امری ضروری است. چنان چه تفاوت در این لایه‌های شناختی می‌تواند منجر به ناهماهنگی در درک کلی معماری مسجد به‌عنوان یک کل واحد شود. پیشینه تحقیقات نشان می‌دهد که محققان بر جنبه‌های خاصی از تجربه‌های شناختی نمازگزاران تمرکز داشته‌اند. حال آنکه درک جامع معماری مسجد مستلزم توجه به تمامی لایه‌های شناختی، ارتباط متقابل آنها، و ایجاد هماهنگی بین این لایه‌هاست. مدل مفهومی این پژوهش متشکل از ۵ مؤلفه معنا، توجه، انتظام و ساخت انجام ارائه گردید. با توجه به جدول گزارش مضامین، محققان داخلی بر مقوله معنا تمرکز ویژه‌ای داشته‌اند. در مقابل، منابع خارجی بیشتر به مقوله انجام پرداخته شده است که می‌تواند به دلیل تفاوت در دیدگاه‌ها یا اولویت‌های پژوهشی باشد. با بررسی ضرایب مسیر، مشاهده می‌شود که تأثیر تمامی مؤلفه‌ها مثبت و بیشترین میزان شدت ارتباط مربوط به تأثیر مؤلفه انجام بر معنا و کمترین میزان شدت تأثیر مربوط به مؤلفه انتظام بر توجه است؛ لذا به این موضوع می‌توان اشاره نمود که لازمه تأثیرپذیری از منظر معنایی غنای هریک از

مؤلفه‌های توجیه، انتظام، ساخت و به‌ویژه مؤلفه انجام است. به نظر می‌رسد این رابطه چندوجهی در مدل ساختاری نشان از آن است که مؤلفه‌های شناختی معماری مسجد در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند. به عبارتی دیگر به‌عنوان یک مدل چندوجهی مؤلفه‌های شناختی معماری مسجد هریک از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. همچنین سازگاری و هماهنگی ما بین این لایه‌ها یک رویکرد جامع و چندبعدی و دارای رابطه‌ای طولی است. از این‌رو ارتقای پیوندهای مابین مؤلفه‌های شناختی معماری مسجد علاوه بر غنای هریک از مؤلفه‌ها، امکان بازتفسیر آنها در زمینه معاصر را نیز فراهم می‌سازد. بر این مبنا معماران می‌توانند الگوهای فضایی جدید و بهینه‌شده‌ای برای مساجد معاصر ایجاد کنند که هم سطوح مرتبط بارده‌های شناختی؛ چون مهارت، علم، دانش، نگرش‌ها و بینش معماران و کاربران در ذیل حکمت در عمل و حکمت در نظر و هم با نیازهای توسعه مدرن سازگار باشند.

۷. جمع بندی و نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف تحلیل و بررسی گزاره‌های شناختی معماری مسجد و ارائه مدلی جامع برای درک و تفسیر این گزاره‌ها انجام شده است. ابتدا برای درک عمیق‌تر محتوا متون مربوط رده‌های شناختی در ذیل حکمت در عمل و حکمت در نظر، مورد تحلیل و بررسی واقع گردید. سپس، با تحلیل گزاره‌های شناختی معماری مسجد کدگذاری داده‌ها صورت گرفت. پس از تأیید اعتبار کدگذاری، مدلی کیفی تدوین شد. این مدل با در نظر گرفتن لایه‌های مختلف شناختی شامل مهارت، علم، دانش، نگرش و بینش، زمینه را برای خلق آثاری فراهم می‌آورد که حکمت عملی و نظری را در یک تعادل می‌داند. انعطاف‌پذیری این رویکرد به معماران اجازه می‌دهد تا طرح‌هایی ارائه دهند که با شرایط محیطی، فرهنگی و اجتماعی معاصر سازگار باشند. نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که چگونگی تأثیر نظام معرفتی بر معماری مسجد و چگونگی تجلی این تأثیرات در عناصر مختلف حاصل تعامل چندجانبه در لایه‌های مختلف شناختی و درک صحیح آن نیازمند توجه به‌تمامی این لایه‌ها است. مقوله‌های شناختی می‌تواند الگوواره‌های فضایی مسجد را تولید و بهینه‌سازی کند و مضمون معماری مسجد را نمایش دهد. چنان‌چه این موضوع مطرح می‌گردد که هماهنگی و تعادل میان لایه‌های مختلف شناختی برای درک و طراحی موفق معماری مسجد ضروری است. در مقابل عدم هماهنگی میان این لایه‌ها می‌تواند منجر به ایجاد اختلال در درک و شناخت معماری مسجد شود. در نتیجه، طراحی‌هایی را به وجود آورد که با هویت و کارکرد اصلی پدیده مسجد همخوانی ندارند؛ لذا توجه به‌تمامی این عوامل و تغییرات به‌صورت سیستمی و هماهنگ می‌تواند به ارائه طرح‌های خلاقانه و مناسبی منجر شود که هم با لایه‌های شناختی مختلف و هم با شرایط محیطی سازگار باشند. به عبارتی دیگر معماری مسجد فراتر از یک مکان صرفاً عبادی و اجتماعی بلکه به‌عنوان یک پدیده‌شناختی و تفسیری می‌تواند؛ مانند یک راهنما یا ابزاری برای تفسیر و طراحی مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی کاربرد داشته باشد. این پژوهش با ارائه رویکردی نوین در تحلیل و بررسی معماری مساجد، گامی مهم در جهت پر کردن شکاف موجود در مطالعات مرتبط با جنبه‌های شناختی معماری اسلامی برداشته و می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای مطالعات بیشتر در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت

^۱ عناقه و همکاران (۱۳۹۱)، کاظمی و کلانتری (۱۳۹۰)، سرتیپی پور (۱۳۷۹)، جامی و همکاران (۱۴۰۱)، قلی‌زاده و فاروقی (۱۴۰۰)، سربابی و همکاران (۱۳۹۹)، فهندژ سعدی (۱۳۹۹)، اکبری و فتاحی مع صوم (۱۳۹۸)، فرکیش و همکاران (۱۳۹۹)، مرادی و عمرانی (۱۳۹۸)، حمزه نژاد و عربی (۱۳۹۳)، ان صاری و همکاران (۱۳۸۷)، پور مهابادیان و یو سفی (۱۴۰۰)، بلایی اسکویی و همکاران (۱۴۰۱)، شیرخانی و همکاران (۱۴۰۱)، اطمینان و همکاران (۱۳۹۹)، جلیل‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)، عباس‌زاده (۱۳۹۶)، بمانیان و سیلوايه (۱۳۹۱)، رضازاده (۱۳۸۳)، امین‌پور، منبری (۱۳۹۷)، کرمی دربندی و خزاعی (۱۴۰۰)، سلیمی (۱۳۹۸)، دباغ و رهبر (۱۳۹۴)، میرزا کوچک خو شنویس و همکاران (۱۴۰۲)، البرزی و همکاران (۱۳۹۹)، کریمی و دادور (۱۳۹۹)، دهار و علی‌پور (۱۳۹۲)، نعمتی و شهلائی (۱۳۹۴)،

تقوی نژاد و میر صالحیان (۱۴۰۱)، سجاذزاده و همکاران (۱۳۹۶)، شاه پسندزاده (۱۳۹۹)، زکریایی کرمانی (۱۳۸۵)، مهوش و مرادپور (۱۳۹۵)، فضل (۱۴۰۱)، شغائی (۱۳۸۶)، سلمانی و چتر بحر (۱۳۹۵)، ورمقانی (۱۴۰۰)، دهقانی تفتی و همکاران (۱۴۰۰)، حجازی (۱۳۹۷)، فولادی و ح سینی (۱۳۹۶)، حاج سید جواد و م شکوری (۱۳۶۱)، ر ضایی (۱۴۰۰)، حمیدی نیا و همکاران (۱۴۰۱)، زمانی باب گهری و یوزیا شی (۱۳۹۸)، مو سوی و همکاران (۱۳۹۳)، پوراحمدی (۱۴۰۱)، مجتهدزاده و نام‌آور (۱۳۹۰)، امیری و همکاران (۱۴۰۱)، ایرجی، ذوالفقارزاده (۱۳۹۹)، شجاعی و مقتی پور (۱۴۰۱)، صالحی نیا و شاه مرادی (۱۳۹۶)، جلالی و همکاران (۱۴۰۰)، متو سل (۱۳۹۹)، علی‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، نی سستانی و همکاران (۱۳۹۰)، ر سولی پور و همکاران (۱۴۰۰)، میرمرادی (۱۳۹۹)، سلیمانی و همکاران (۱۳۹۰)، آزادی و تقی پور (۱۳۹۶)، ایمان طلب و گرامی (۱۳۹۱)، فر شید نیک و همکاران (۱۳۸۸)، اکبرزاده و همکاران (۱۳۹۸)، ک سروی (۱۴۰۱)، نژاد ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۱)، دیماری و همکاران (۱۴۰۰)، احمدی و همکاران (۱۴۰۰)، غلامزاده و همکاران (۱۴۰۱).

²Lynn A, Levine. (2004);Gaber, T. (2016); Mawani, R. (2019); Fekry, M.Visvizi, A. (2023); Mahmoud, S. Al-Sakkaf, A (2023);Farrag, E, M. (2023);Mohamed, D, H, I, L. (2023); Gholam, D, E. Fekry, M (2023); Samir, H. Amir, G. Hamza, J (2023); Moser, S. (2012); Kamarudin, Z., et al. (2020) ; Abubakr Ali, L. and F. Ali Mustafa (2024) ; Erarslan, A. (2021); MahdiNejad, J. E. D., et al. (2020); Habibabad, A. S., et al. (2020); Allahham, A. (2019); Tunçer, B. (2013); Jin, S. (2023); Ghouchani, M., et al. (2023); Johar, S., et al. (2011); Ghouchani, M. and M. Taji (2021); Qurrat-Ul-ain, A. (2023); Putrie, Y. E., et al. (2020); Kamal, M. A. (2021); Fajariyah, L. (2021); Johar, S., et al. (2013) ; Ovan, T. H. (2021); Gurjia, A. A. and A. A. Dhannoon (2021); Ng, A., et al. (2022); Alajmi, M. and Y. Al-Haroun (2022); Hamdani, A. M., et al. (2022); Alnaim, M. M. (2023); Abu-Obeid, N., et al. (2008); Alghafis, M. F. and M. Sibley (2023); Al Khalifa, H.E.M. (2023); Azmi, N. A. and M. Z. Kandar (2019); Batuman, B. (2016); Masridin, M. H. and A. S. Ismail (2022); Lopes, R. O. and N. B. M. Hasnan (2022); Eimen, A. (2015); El-Husseiny, M. A. (2022); Disli, G. (2015); Hassan, A. S. and M. Mazloomi (2010); Ibrahim, A., et al. (2020); Galimzhanova, A. S., et al. (2020); Salura, P. and S. Clarissa (2018); Nawawi, N. M., et al. (2016); Islam, I. and A. Noble (1998); Supriyadi, S., et al. (2023); Lambourn, E. A. (2017); Matracchi, P. and A. Sadeghi habibabad (2021); Hodzic, A. A. (2023); Malik, M. I., et al. (2019); Kiessel, M. and A. Tozan (2021); Ridgeon, L. (2020); Saberi, A., et al. (2016); Tereci, A. (2020); Awad, J. (2021); Harun, R. and F. Othman (2011); Wiryomartono, B (2019).

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy ^۳

AVE^۴

T-value^۵

R2^۶

Q2^۷

F2^۸

VIF ^۹

NFI^{۱۰}

SRMR^{۱۱}

منابع

۱. اسدی محمد رضا و بدر خانی غلام رضا. (۱۳۹۷). حکمت عملی در فلسفه سینوی؛ جایگاه، مبادی و علل کم‌رنگی آن. حکمت سینوی، ۲۷-۴۵: (۲۲)۶۰.
۲. اکبری، امیر و فتاحی معصوم، آمنه سادات. (۱۳۹۸). باز شناسی پدیداری اندیشه‌های عرفانی در معماری مسجد گوهر شاد مشهد. عرفان اسلامی، ۵۹(۱۵): ۴۱۷-۴۳۷.
۳. الهی، محسن. (۱۳۸۹). الاهیات سیاسی در فلسفه ملاصدرا. اطلاعات حکمت و معرفت، ۵۷(۵): ۱۸-۲۴.
۴. بنی‌اسدی‌باغمیرانی، مهدی. حسینی، بهشید و شاه‌چراغی، آزاده. (۱۴۰۲). تبیین جایگاه ماده در مراتب ادراکی فضاهاى مساجد عصر صفویه، مبتنی بر آرای ملاصدرا، مطالعه موردی: مسجد شیخ لطف‌الله. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۴۱(۱۵): ۲۹-۳۸.
۵. بهاری محمد رضا. (۱۳۹۳). بینش فلسفی و فهم دین. قیسات، ۷۳(۱۹): ۱۹۷-۲۲۳.
۶. جامی، عبدالرحمن بن احمد. الدرۃ الفاخرة فی تحقیق مذاهب ال صوفیۃ و المتکلمین و الحكماء المتقدمین. الدرۃ الفاخرة فی تحقیق مذاهب الصوفیۃ و المتکلمین و الحكماء المتقدمین. ۱. ج. تهران - ایران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل.
۷. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۴۰۱). حکمت و معماری. ۱. ج. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۸. دری علی، طلیسچی غلام رضا، جباران فاطمه. کرانمندی و بیکرانی ساختار فضایی معماری اسلامی ایران در مساجد دوران صفوی (نمونه موردی مسجد شیخ لطف الله و امام اصفهان). پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۳۹۷؛ ۶ (۲): ۳۸-۱۹.

۹. دولابی پرستو. (۱۳۹۶). جایگاه مسجد و کانون های فرهنگی در تمدن اسلامی. فقه و حقوق معاصر، ۴(۳): ۶۹-۸۴.
۱۰. رحیمی شعراف، غلامحسین. (۱۳۹۲). مفهوم صنعت و فناوری در منابع تمدن اسلامی. ج. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. سرابی، مینا؛ بلیان، لیدا و آجرلو، بهرام. (۱۳۹۹). بازآفرینی ساختار معماری مسجد حسن پادشاه در تبریز (بر اساس منابع تاریخی و بقایای معماری موجود). هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۸۱(۲۵): ۹۱-۱۰۴.
۱۲. سرتیپی پور، محسن. (۱۳۷۹). احکام فقهی و معماری مسجد. مسکن و محیط روستا، ۹۱-۹۲: ۶-۱۹.
۱۳. شجاری، مرتضی. سلخی خسرقی، صفا و آصفی، مازیار. (۱۳۹۷). مراتب ادراک فضای سیال در مسجد جامع تبریز؛ با نگاهی به مفهوم حرکت در آرا ملاصدرا. حکمت معاصر، ۲۷(۹): ۱۵۷-۱۷۶.
۱۴. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم ۹۷۹-۱۰۵۰ق، و ح سن زاده آملی، ح سن. ۱۳۸۶. الحکمة المتعالیة فی الأ سفار العقلیة الأربعة. ۴ج. تهران - ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
۱۵. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، مؤیدی، محسن. (۱۳۶۱). إیقاض النائمین. ۱ ج. تهران - ایران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۱۶. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، و خامنه‌ای، محمد. (۱۳۷۸). المظاهر الإلهیة فی أ سرار العلوم الکمالیة. ۱ ج. تهران - ایران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۷۱)، مفاتیح الغیب، (محمدخواجهی)، تهران، انتشارات مولی.
۱۸. عبادی احمد. (۱۳۹۵). ترسیم الگوی روش شناختی مطالعه دینی بر مبنای مفهوم شناسی «روی آورد»، «روش» و «پارادایم». قبسات، ۸۲(۲۱): ۴۸-۲۱.
۱۹. عناقه، عبدالرحیم؛ محمودیان، حمید و صابری زاده، رقیه. (۱۳۹۱). تجلی عرفان در معماری مسجد. عرفان اسلامی، ۳۳(۹): ۱۵۹-۱۸۸.
۲۰. غلامزاده نیکجو، پریسا؛ کوشان، ایوب و امانی، رستم. (۱۴۰۱). وحدت وجود در منظومه های امیر خسرو دهلوی در تبیین اصل وحدت و کثرت معماری مسجد شیخ لطف الله اصفهان. مطالعات هنر اسلامی، ۴۸(۱۹): ۵۷۳-۵۸۵.
۲۱. فرزندی، عباسعلی؛ روشن روان، الله بخش و ترکاشوند، سینا. (۱۳۹۷). فرهنگ دفاعی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف و کارکرد آن در گفتمان سازی جدید اسلامی. انتظار موعود، ۶۳(۱۸): ۵۹-۸۴.
۲۲. فهندرسعدی، محمد سعید. (۱۳۹۹). بازشناسی الگوی معماری مسجد. معماری شناسی، ۱۵(۳): ۱۹۷-۲۰۴.
۲۳. قلی زاده، فائزه و فاروقی، سید محمد رضا. (۱۴۰۰). الگویابی فرم مسجد ایران مبتنی بر تحلیل عوامل تأثیرگذار بر آن. معماری شناسی، ۱۹(۴): ۱۱۷-۱۲۵.
۲۴. قهرمان، مهدی؛ نوری خسرو شاهی، پریا و نبوی، سیدمجید. (۱۳۹۹). بررسی نگرش کربه شناسی به دانش با تکیه بر آموزه های اسلام. پژوهش های علم و دین، ۲۲(۱۱): ۱۵۹-۱۸۳.
۲۵. کاظمی، محمد و کلانتری خلیل آباد، ح سین. (۱۳۹۰). ابزارهای پیامرسانی معنوی در معماری مسجد با تأکید بر نقش ایدئولوژی اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶(۲): ۴۱-۴۶.
۲۶. مدرسی، محمد رضا. ۱۳۸۸. فلسفه اخلاق. ۱ ج. تهران - ایران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سروش.
۲۷. مرادی، حسن. (۱۳۹۰). هنر در نگاه حکمت متعالیه. زیبا شناخت، ۲۲(۱۱): ۵۱-۶۶.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و جزایری، حمید. (۱۳۹۷). نقش شیعه در گسترش علوم مدیریت و سیاست. کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی. گروه علمی علوم انسانی. ۱ ج. قم - ایران: امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۲۹. میری، محسن. (۱۳۹۲). معرفت و باور. ۱ ج. تهران - ایران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

References

1. AKBARI, AMIR., & Fattahi Masoum, Ameneh Sadat. (2019). Phenomenal Recognition of Mystical Thoughts in Architecture of Goharshad Mosque in Mashhad. RELIGION & MYSTICISM, 15(59), 417-438. SID. <https://sid.ir/paper/191517/en>

2. Annagheh, Abdolrahim., Mahmoodian, Hamid., & Saberzade, Roghaye. (2012). MANIFESTATION OF MYSTICISM IN ARCHITECTURE OF MOSQUE. RELIGION & MYSTICISM, 9(33), 159-188. SID. <https://sid.ir/paper/191485/en>
3. Asadi, Mohamad Reza., & Badrkhani, Gholam Reza. (2019). Practical wisdom According to Avicennian Philosophy; Its Position, Basis and Its diminution. AVICINIAN PHILOSOPHY JOURNAL, 22(60), 27-45. SID. <https://sid.ir/paper/145652/en>
4. Bahari, Mohammad Reza. (2014). Philosophical Insight and Understanding of Religion. Qabasat, 73(19): 197-223.
5. Dolabi, Parastoo. (2017). The Position of Mosque and Cultural Centers in Islamic Civilization. Modern Jurisprudence and Law, 4(3): 69-84.
6. Dorri, Ali., & Talischi, Gholamreza. (2018). Bounded and boundlessness of the Islamic architecture spatial structure in Safavid era mosques (Case Study: Sheikh Lotfollah and Imam Mosque of Isfahan). JOURNAL OF RESEARCHES IN ISLAMIC ARCHITECTURE, 6(2 (19)), 19-40. SID. <https://sid.ir/paper/248328/en>
7. Ebadi, Ahmad. (2016). Designing a Methodological Model for Religious Studies Based on the Conceptualization of "Approach," "Method," and "Paradigm." Qabasat, 82(21): 21-48.
8. Elahi, Mohsen. (2010). "Political Theology in Mulla Sadra's Philosophy." Journal of Wisdom and Knowledge, 57(5): 18-24.
9. Fahandezh Saadi, Mohammad Saeed. (2020). Recognition of Mosque Architectural Pattern. Memari Shenasi [Architectural Studies], 15(3): 197-204.
10. Fajariyah, L. (2021). Quranic values on the jamik mosque architecture in sumenep [Article]. *Journal of Islamic Architecture*, 6(3), 187-195.
11. Farzandi, Abbas Ali., Roshanravan, Allahbakhsh., & Torkashvand, Sina. (2018). Mahdavi Defense Culture (may Allah hasten his noble appearance) and its Function in the New Islamic Discourse Construction. Entezar-e Moud, 63(18): 59-84.
12. Fekry, M., Mohamed, M. A., Visvizi, A., Ibrahim, A., & Ghamri, L. F. (2023). Mosque Architecture: a transdisciplinary debate. Springer.
13. Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Structural equation models with unobservable variables and measurement error: Algebra and statistics.
14. Gaber, T. (2016). The Transnational Mosque: Architecture and Historical Memory in the Contemporary Middle East By Kishwar Rizvi (Chapel Hill: University of North Carolina Press, 2015. 253 pages.). American Journal of Islam and Society, 33(4), 112–116.
15. Ghahraman, Mehdi., Nouri Khosroshahi, Parya ., & Nabavi, Seyed Majid. (2020). Examining Krishnamurti's Approach to Knowledge Based on Islamic Teachings. Science and Religion Research, 22(11): 159-183.
16. Gholam, D.E., Fekry, M. (2023). Urbanism of the Neighborhood Mosque. In: Fekry, M., Mohamed, M.A., Visvizi, A., Ibrahim, A., Ghamri, L.F. (eds) Mosque Architecture: A Transdisciplinary Debate. Advances in Science, Technology & Innovation. Springer, Cham
17. Gholamzadeh Nikjou, Parisa., Koushan, Ayoub., & Amani, Rostam. (2022). The unity of the existence of the system, this is Amir Khusraw Dehlavi, the role of explaining the origin of the unity and the multiplication of the architecture of the mosque of Sheikh Lotfollah Isfahan. Islamic Art Studies, 48(19): 573-585.
18. Gholizadeh, Faezeh., & Faroughi, Seyed Mohammad Reza. (2021). Pattern Finding of Iranian Mosque Forms Based on Analysis of Influencing Factors. Memari Shenasi [Architectural Studies], 19(4): 117-125.
19. Ghouchani, M., & Taji, M. (2021). Promoting spirituality in the architectural thought of the mosque: A sense of place approach [Article]. Journal of Islamic Architecture, 6(3), 151-159. <https://doi.org/10.18860/JIA.V6I3.10303>
20. Haerdy, R. S. M., & Kusuma, H. E. (2022). The relationship between mosque characteristics, activities, and perceptions of spiritual values. Journal of Islamic Architecture, 7(1), 19–27. <https://doi.org/10.18860/jia.v7i1.13083>
21. Hair, J. F., Hollingsworth, C. L., Randolph, A. B., and Chong, A. Y. L (2017). An Updated and Expanded Assessment of PLS-SEM in Information Systems Research. Industrial Management & Data Systems, 117(3): 442-458.
22. Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2022). A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) (3 ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
23. Hair, J.P., Black, J.P., Babin, J.P., & Anderson, R.E. (2019). Multivariate Data Analysis, Eighth Edition. Harlow: Cengage Learning.
24. Hamdani, A. M., Suprpti, A., & Rukayah, S. (2022). ARCHITECTURE OF THE KAJORAN CULTURAL HERITAGE MOSQUE COMPLEX AND COMMUNITY LIFE SURROUNDING [Article]. *Journal of Islamic Architecture*, 7(2), 270-278.

- 25.Hodzic, A. A. (2023). MOSQUE ARCHITECTURE FOR THE BOSNIAK COMMUNITY IN EUROPE: CHALLENGES OF MODERNITY [Article]. *Journal of Engineering Research (Kuwait)*.
- 26.Ibrahim, A., Ali, H. H., & Alqarra, W. (2020). The effect of installed photovoltaic panels on the aesthetic perception and evaluation of the mosque architectural form in Jordan [Article]. *Open House International*, 45(4), 449-463.
- 27.Idham, N. C., & Numan, I. (2020). Megadome evolution in the ottoman's mosques; the links [Article]. *Journal of Design and Built Environment*, 20(3), 52-70.
- 28.Jami, Abdulrahman bin Ahmad. "Al-Durrah Al-Fakhirah fi Tahqiq Madhahib Al-Sufiyah wa Al-Mutakallimin wa Al-Hukama Al-Mutaqaddimin" [The Precious Pearl in the Investigation of the Doctrines of Sufis, Theologians, and Ancient Philosophers]. Volume 1. Tehran, Iran: Institute of Islamic Studies, University of Tehran - McGill University.
- 29.Kazemi, Mohammad., & Kalantari Khalilabad, Hossein. (2011). Spiritual Messaging Tools in Mosque Architecture with Emphasis on the Role of Islamic Ideology. *Iranian-Islamic City Studies*, 6(2): 41-46.
- 30.Khalifa, H. E. M. A. (2023). SPIRITUAL SENSORY THEORY AND BODILY EXPERIENCES KEYS FOR SUCCESSFUL MOSQUE DESIGN [Article]. *New Design Ideas*, 7(2), 243-264.
- 31.Levine, L.A. Frommer'sturkey: From the Blue Mosque to the Blue Lagoon. Wiley, 2004.
- 32.Mahdi Baniasadi Baghmirani, Seyyed Behshid Hosseini ., & Azadeh Shahcheraghi, (2023). Explanation of Matter Importance in Perceptual Hierarchies of Safavid Era Mosques' Spaces based on the Mulla Sadra's Views; Case Study: Sheikh Lotfollah Mosque, *Journal of Architect, Urban Design & Urban Planning*, 15(41), 29-38. magiran.com/p2561482
- 33.Makarem Shirazi, Naser., Jazayeri, Hamid. International Congress on the Role of Shia in the Emergence and Development of Islamic Sciences. Humanities Scientific Group. (2018). The Role of Shia in the Development of Management and Political Sciences. Vol. 1. Qom - Iran: Imam Ali ibn Abi Talib [Publications].
- 34.Mawani, R. (2019). Beyond the mosque: Diverse Spaces of Muslim Worship. Bloomsbury Publishing.
- 35.Miri, Mohsen. (2013). Knowledge and Belief. Vol. 1. Tehran - Iran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- 36.Modarresi, Mohammad Reza. (2009). Philosophy of Ethics. Vol. 1. Tehran - Iran: Islamic Republic of Iran. Soroush Publications.
- 37.Mohamed, D.H.E.I.L. (2023). The Impact of Revival of Traditional Lighting Techniques in Modern and Contemporary Mosque Design. In: Fekry, M., Mohamed, M.A., Visvizi, A., Ibrahim, A., Ghamri, L.F. (eds) *Mosque Architecture: A Transdisciplinary Debate. Advances in Science, Technology & Innovation*. Springer, Cham.
- 38.Moradi, Hassan. (2011). Art from the Perspective of Transcendent Wisdom. *Ziba Shenakht*, 22(11): 51-66.
- 39.Nunnally, J. C. (1978). *Psychometric Theory* (2nd ed.). New York: McGraw-Hill.
- 40.Rahimi sherbaf, Gholamhossein. (2013). The Concept of Industry and Technology in Islamic Civilization Sources. Vol. 1. Tehran: Tarbiat Modares University.
- 41.Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim (979-1050 AH) ., Hassanzadeh Amoli, Hassan. (2007). *Al-Hikmat al-Muta'aliyah fi al-Asfar al-'Aqliyyah al-Arba'ah* [The Transcendent Wisdom in the Four Intellectual Journeys]. Vol. 4. Tehran, Iran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. Printing and Publishing Organization.
- 42.Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim., Khamenei, Mohammad. (1999). *Al-Mazahir al-Ilahiyyah fi Asrar al-Ulum al-Kamaliyyah*. Vol. 1. Tehran, Iran: Sadra Islamic Philosophy Foundation.
- 43.Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim., Moayedi, Mohsen. (1982). *Iqaz al-Na'imin*. Vol. 1. Tehran, Iran: Institute for Cultural Studies and Research. Islamic Society of Wisdom and Philosophy of Iran.
- 44.Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim, (1992), Mafatih al-Ghayb, (Muhammad Khajavi), Tehran, Mola Publications.
- 45.Samir, H., Amir, G., Hamza, J., Alshoaibi, L. (2023). Pattern and Form Language as Constituents of the Mosque Architecture. In: Fekry, M., Mohamed, M.A., Visvizi, A., Ibrahim, A., Ghamri, L.F. (eds) *Mosque Architecture: A Transdisciplinary Debate. Advances in Science, Technology & Innovation*. Springer, Cham.
- 46.Sarabi, Mina., Balilan, Lida., & Ajorloo, Bahram. (2020). An Architectural Recreation of the Hasan Padishah Mosque, Tabriz, Iran (Drawing on Historical Records and the Extant Architectural Remains). *MEMARI-VA-SHAHRSAZI (HONAR-HA-YE-ZIBA)*, 25(1), 91-104. SID. <https://sid.ir/paper/985810/en>
- 47.Sartipipour, Mohsen. (2000). Jurisprudential Rulings and Mosque Architecture. *Rural Housing and Environment*, 91-92: 6-19.
- 48.Shajari, Morteza., Salkhi Khasraghi, Safa., & Asefi, Maziar. (2019). Levels of fluid space perception in TabrizJame mosque; Through the concept of Movement in MullaSadra's votes. *HEKMAT-E MO'ASER (CONTEMPORARY WISDOM)*, 9(2), 19-38. SID. <https://sid.ir/paper/220702/en>
- 49.Supriyadi, S., Widiyastuti, E., Prameswari, N. S., & Swasty, W. (2023). Pragmatic-Semantic Analysis of the Demak Great Mosque and Acculturation of the Surrounding Communities [Article]. *ISVS e-journal*, 10(5), 262-282.

The Conceptual Framework of Cognitive Propositions in Mosque Architectural

Mohammadamin Hasanzadeh (Corresponding Author)

Master's Researcher in Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Qom, Iran

Email: [hz.amin@yahoo.com](mailto:haz.amin@yahoo.com)

Amin Abdemojiri

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Qom, Iran

Mosque architecture can be influenced by various factors such as culture, history, religion, geography, ecosystem, politics, and economy; therefore, a mosque cannot be considered as a uniform and abstract building, but should be examined as a phenomenological and interpretive entity resulting from the interaction between the architect, users, and the environment. Hence, examining and understanding the propositions of the mosque as one of the most important architectural, cultural, and identity symbols of Muslims becomes necessary in terms of examining and explaining the cognitive layers governing them. This research is fundamental in terms of purpose and has a combined and interdisciplinary approach. The statistical population of this research was selected and collected from available sources in reputable scientific databases in the time period of 1998-2024 in the field of mosque architecture based on purposeful sampling. For this purpose, first, the epistemological system and diverse concepts were explained based on philosophical and mystical sources, then by studying and analyzing the cognitive propositions of the mosque, categories and elements were identified that could be useful for explaining the theme of mosque architecture based on the epistemological system. In this path, the required information was collected using Attride-Stirling's thematic analysis. After confirming the validity of the codings, a qualitative model was developed. In the second step, in order to validate the qualitative model and present the final research model, the partial least squares method was used, and to examine the hypotheses created, a questionnaire was provided to 395 specialists and experienced architects based on simple random sampling, using the structural equation modeling approach. Of this number, 389 questionnaires were analyzed. The results of statistical analyses show that all relationships and paths drawn in the conceptual model are statistically significant. Therefore, it can be concluded that how the epistemological system affects mosque architecture and how these effects are manifested in various elements is the result of multilateral interaction in different cognitive layers, and understanding it correctly requires attention to all these layers. In other words, mosque architecture functions beyond merely a place of worship and social congregation, but as a cognitive and interpretive phenomenon, and through analytical and comparative methodologies, a paradigm or framework can be established for evaluating and designing a mosque based on cognitive layers.

Keywords: Architectural Perception, Cognitive Model of Architecture, Cognitive Layers of Mosque, Mosque Architecture